

اثر جنسیت بر مقصّرشناسی قربانی قلدری سایبری و قصد یاری‌رسانی ناظر

تاریخ دریافت مقاله: 1403/9/9 تاریخ پذیرش نهایی: 1403/11/19

ابراهیم حیدری¹، ابوالقاسم عیسی مراد²، احمد برجعلی³، زهره رافضی⁴، مهدی خانجانی⁵

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: در تحقیقاتی که با هدف یافتن عوامل مؤثر بر واکنش ناظران به قلدری سایبری انجام شده است، تاکنون تلاش برای یافتن رابطه بین جنسیت قلدر، قربانی و ناظر با واکنش ناظران نتیجه قاطعی در پی نداشته است. هدف این پژوهش بررسی اثر تعاملی بین جنسیت قلدر، قربانی و ناظر قلدری سایبری بر قصد یاری‌رسانی ناظر و مقصّرشناسی قربانی بود.

روش: این پژوهش از یک طرح آزمایشی که در آن جنسیت قلدر و قربانی و ناظر در یک سناریوی قلدری سایبری دستکاری می‌شد، بهره گرفت. جامعه پژوهش دانشجویان مشغول به تحصیل در نیمسال دوم سال تحصیلی 1402-1403 در دانشگاه‌های تهران و هرمزگان بود. نمونه‌ای متشکل از 601 نفر از طریق آگهی آنلاین در شبکه‌های اجتماعی وارد پژوهش شدند و از طریق یک پلت فرم آنلاین به مقیاس‌های پس‌آزمون شامل قصد یاری‌رسانی ناظر و مقصّرشناسی قربانی پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل واریانس سه طرفه و مدل سازی رگرسیون رابطه میانجی با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS ($p=0.05$) انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، جنسیت با پویایی پیچیده‌ای بر مقصّرشناسی قربانی و قصد یاری‌رسانی ناظر تأثیر می‌گذارد، از جمله اینکه ناظران به قربانیان مؤنث تقصیر بیشتری نسبت می‌دهند و قصد یاری‌رسانی کمتری به قربانیان مذکر ابراز می‌کنند ($p<0.05$).

نتیجه‌گیری: برای کاهش اثرات منفی قلدری سایبری لحاظ کردن این پیچیدگی‌ها در طراحی برنامه‌های پیشگیری و مداخله ضروری است.

کلمات کلیدی: قلدری سایبری، مقصّرشناسی قربانی، قصد یاری‌رسانی ناظر، جنسیت.

1. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
* نویسنده مسئول: e_heydari@atu.ac.ir

2. دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
3. استاد تمام گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
4. استادیار گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
5. دانشیار، گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
** این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول مقاله می‌باشد.



Effect of Gender on Cyberbullying Bystander's Helping Intention and Victim Blaming

Received: 2024/11/29

Accepted: 2027/02/07

Ebrahim Heydari¹, Abolghasem Isamorad², Ahmad Borjali³, Zohreh Rafezi⁴, Mehdi Khanjani⁵

Original Article

Abstract

Introduction: Extensive research has explored the factors influencing bystander responses to cyberbullying, yet the relationship between the gender of the cyberbully, cybervictim, and bystander and its impact on bystander intervention remains inconclusive. This study aimed to examine the interactive effects of the gender of the cyberbully, cybervictim, and bystander on the bystander's helping intention and tendency to blame the victim.

Method: This study employed an experimental design, manipulating the gender of the cyberbully, cybervictim, and bystander within a simulated cyberbullying scenario. Participants were college students from Tehran and Hormozghan Universities during the second semester of 2003–2004. A sample of 601 students was recruited via an online advertisement on social media. Participants completed post-test measures, including scales for bystander helping intention and victim blaming, through an online survey platform. Data were analyzed using a three-way analysis of variance (ANOVA) in SPSS 27, with a significance level of 0.05.

Results: The findings revealed a nuanced and dynamic relationship between gender and both victim blaming and bystander helping intention. Notably, female victims received higher blame attribution, while male victims were associated with lower bystander intentions to help ($p < 0.05$).

Conclusion: The study highlights the importance of accounting for gender-related complexities when designing prevention and intervention strategies to mitigate the adverse effects of cyberbullying.

Keywords: Cyberbullying, Victim Blaming, Bystander's Helping Intention, Gender.

1. PhD Candidate of Psychology, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

3. Full Professor, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

5. Associate Professor, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author Email: e_heydari@atu.ac.ir

** This article is taken from the doctoral thesis of the first author of the article.

مقدمه

پیشرفت شبکه‌های اجتماعی علاوه بر خلق فرصت‌های تعامل اجتماعی، زمینه‌ساز شکل تازه‌ای از قلدری شده است که بر بستر این شبکه‌ها صورت می‌گیرد و قلدری سایبری نامیده می‌شود (ژانگ، هانگ، لام، اوانس، ژو¹، 2022). بطور کلی قلدری سایبری به مجموعه‌ای از رفتارهای پرخاصگرانه در میان همسالان اطلاق می‌شود که با هدف آسیب رساندن به قربانی از طریق بسترهای ارتباط الکترونیکی انجام می‌شود (عجاز، رازی و چادهوری²، 2024). این رفتارها که به شکل‌های گوناگون مثل ارسال پیام‌ها یا تصاویر توهین‌آمیز، نقض حریم خصوصی، و حذف از پلتفرم‌ها یا گروه‌های آنلاین رخ می‌دهد می‌تواند پیامدهای وخیم روان‌شناختی و اجتماعی برای قربانیان داشته باشد (نظیر و تبسم³، 2021).

در تحقیقات داخلی نیز اهمیت قلدری سایبری نشان داده شده است. نتایج پژوهش انواری و منصوری (1402) نشان داد بین قربانی شدن در فضای سایبری با خودزنی و خودکشی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش ورعی، ممدوحی، محصب و تقی‌پور (1401) نیز نشان داد بزه دیدگی ناشی از قلدری سایبری اثر مستقیم بر خودجرحی و ناامیدی داشت. همچنین نتایج پژوهش سرآبادانی و مروتی (1401) نشان داد قربانیان قلدری سایبری نسبت به گروه کنترل نمره بالاتری در افسردگی، اضطراب، و اختلال خواب داشتند.

نتایج یک نظرسنجی در بهمن 1402 نشان داد نزدیک به 47 درصد ایرانیان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند درعین حال که پژوهش‌ها حاکی از پیامدهای منفی آن بر سلامت عمومی است (آخوان، قاسمی نژاد، فروزانفر، 1403). اهمیت مطالعه قلدری سایبری برای ایران حتی می‌تواند بیشتر باشد. یافته‌های پژوهش تطبیقی جاغوری، بیورکویست و استرمان⁴ (2015) نشان داد هم قربانی شدن و هم ارتکاب انواع قلدری سایبری در ایران در مقایسه با فنلاند به وضوح بیشتر بود. یافته‌های پژوهش تطبیقی خلیلی، ناگار، لدوک و تالوار⁵ (2022) نیز نشان داد ایرانی‌ها نسبت به کانادایی‌ها هم از رفتارهای ناظران منفعل کمتر انتقاد کردند و هم از رفتارهای دفاعی قربانی کمتر حمایت کردند.

اکثریت افراد حاضر در یک رویداد قلدری سایبری در نقش ناظر قرار می‌گیرند (آلیسون و باسی⁶، 2016). تحقیق درباره ناظران قلدری سایبری به دلیل تأثیرگذاری بالقوه آنان اهمیت بیشتری دارد زیرا قلدر صرفاً دنبال آزار قربانی نیست بلکه هدف اصلی او جلب توجه تعداد هرچه بیشتری ناظر و تخریب روابط اجتماعی قربانی است (ویر، کهلر و اشناوبر⁷، 2019). رفتار جامعه‌پسندانه ناظران برای حمایت از قربانیان قلدری سایبری ممکن است به شکل مستقیم (مثل مقابله با قلدر یا دلداری قربانی) یا غیر مستقیم (مثل گزارش حادثه به افراد مسئول) به عمل درآید. ناظران ممکن است جایگاه قلدر را به چالش بکشند، تلاش کنند قلدری را متوقف کنند و از اثرات منفی آن بر قربانی بکاهند (سالمیوالی⁸، 2010). ناظرانی که مداخله می‌کنند احتمال الگوبرداری سایر ناظران از رفتار حمایتی را افزایش می‌دهند (باستیانس⁹ و همکاران، 2014).

تحقیقات در زمینه رفتار ناظران قلدری سایبری تأثیر عوامل موقعیتی و فردی متعددی را به عنوان متغیرهای اثرگذار بر قصد یاری‌رسانی ناظران به بررسی و آزمون گذاشته‌اند. عمده‌ترین عواملی که تأثیرشان به عنوان متغیرهای موقعیتی در تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته‌اند شامل هنجارهای گروهی، ادراک وخامت موقعیت، ادراک مسئولیت، ابهام موقعیت، فاصله زمانی حضور

1. Zhang, Huang, Lam, Evans, & Zhu
2. Ejaz, Razi, & Choudhury
3. Nazir & Thabassum
4. Björkqvist, Österman
5. Nagar, Leduc, Talwar
6. Allison, Bussey
7. Weber, Koehler, Schnauber
8. Salmivalli
9. Bastiaensens

در موقعیت قلدری، اثر حضور دیگر ناظران و رابطه قبلی قربانی و قلدر بوده است (آلیسون و باسی، 2020) و در مقابل متغیرهای شخصی شامل عواملی نظیر مسئولیت اخلاقی، باورهای خودکارایی، تکانش‌گری، جنسیت نقش‌های درگیر و سن آنها، همدلی، اضطراب اجتماعی و ادراک تقصیر قربانی بوده است (دومینگوئز، بونل و مارتینز¹، 2018). گرچه مطالعات بیشتری برای تبیین اهمیت عوامل زمینه‌ای/محیطی در مقابل عوامل شخصی/فردی مورد نیاز است، برخی بر این باورند که عوامل شخصی می‌تواند وزن بیشتری در واکنش ناظران قلدری سایبری داشته باشد (دزمت² و همکاران، 2016).

اثر جنسیت بر جنبه‌های مختلف موقعیت‌های قلدری سایبری توجه زیادی در تحقیقات دریافت کرده است. بحث‌انگیزترین جنبه در این تحقیقات اثر تفاوت جنسیتی در رفتار ناظران در مواجهه با قلدری سایبری بوده است. عمده تحقیقات انجام شده به تأثیر جنسیت قربانی بر واکنش ناظران پرداخته‌اند. معدودی دیگر جنسیت ناظر و تحقیقات نادری اثر تعاملی جنسیت قربانی و قلدر و ناظر را بررسی کرده‌اند. با این حال نتایج تحقیقات در این زمینه ناسازگار بوده‌اند. برای مثال بارلینسکا، شوستر و وینیوسکی³ (2015) رابطه‌ای بین جنسیت و قصد یاری‌رسانی ناظر مشاهده نکرده‌اند ولی در مقابل اولنیک، هیمن و ادن⁴ (2015)، دزمت و همکاران (2016)، و باستیانسنس و همکاران (2015) نتیجه گرفته‌اند ناظران مونث انگیزه بیشتری برای کمک به قربانیان قلدری سایبری دارند. با این حال در هیچ یک از این تحقیقات اثر تعاملی بین جنسیت ناظر، جنسیت قربانی و جنسیت قلدر مشاهده نشده است. تحقیقات نادری که درخصوص اثر تعاملی جنسیت ناظر و جنسیت قربانی و قلدر انجام شده‌اند نتیجه گرفته‌اند برخلاف اهمیتی که جنسیت قربانی بر واکنش ناظر دارد تأثیر تعاملی جنسیت ناظر با جنسیت قلدر و قربانی اثری بر قصد یاری‌رسانی او ندارد (مور و دوئل⁵، 2020؛ وبر، کهلر و اشناوبر، 2019). این ناسازگاری‌ها نشان دهنده آن است که متغیرهایی در نقش میانجی، تعدیل‌کننده یا کنترل نادیده مانده‌اند یا ترکیب درستی از آنها بکار گرفته نشده است (دومینگوئز، بونل و مارتینز، 2018).

موقعیت‌های قلدری سایبری از چندین جهت مستعد بروز سوگیری‌های انگیزشی هستند. سرنوشت قربانی که می‌تواند شامل بدنامی، طرد، تمسخر، یا رسوا شدن باشد موقعیت دردناکی است که زمینه عاطفی برای اسناد تقصیر به خود قربانی برای وقوع رویداد پرخاشگرانه را در خود دارد (کریم، نوبلس، آماکر و داود⁶، 2013). دو نظریه جهت‌گیری دنیای عادلانه و جهت‌گیری اسناد دفاعی برای توضیح پدیده مقصرشناسی قربانی پیشنهاد شده‌اند و ممکن است توان بالقوه‌ای برای توصیف رابطه جنسیت ناظر و قربانی و قلدر در یک موقعیت قلدری خاص را داشته باشند (هودک، بانیک، وربوا و هایک⁷، 2024).

جهت‌گیری دنیای عادلانه بر این اساس قرار دارد که افراد معتقدند اتفاقاتی که برای دیگری رخ می‌دهد آن چیزی است که لیاقتش را دارند و سزاوار آن هستند یا به عبارت دیگر، پاداش و مجازات در دنیا عادلانه توزیع می‌شود (نودلمن و اوتو⁸، 2021). یک نظریه مکمل نظریه جهت‌گیری اسناد دفاعی است که برای توضیح گرایش به اسناد مسئولیت به افراد درگیر هنگام وقوع یک رویداد مخرب ارائه شد. در این نظریه مقصرشناسی قربانی ناشی از آگاهی فرد از آسیب‌پذیری خویش است. براین اساس مقصرشناسی قربانی احساس بد شباهت به او و در نتیجه نگرانی از قربانی شدن را کاهش می‌دهد (پینسیوتی و اورکات⁹، 2019). ناسازگاری نتایج پژوهش‌ها در زمینه مطالعه اثر جنسیت ناظر و تعامل آن با جنسیت قلدر و قربانی در موقعیت‌های قلدری سایبری مانع از یافتن تبیینی بوده است که اهمیت آن محدود به جنبه‌های نظری نیست و ضرورت برنامه‌های پیشگیری و

1. Domínguez, Bonell, Martinez

2. DeSmet

3. Barlińska, Szuster, Winiewski

4. Olenik, Heiman. Eden

5. Marr, Duell

6. Cramer, Nobles, Amacker, Dovoedo

7. Houdek, Bahnik, Vrbová, & Hájek

8. Nudelman & Otto

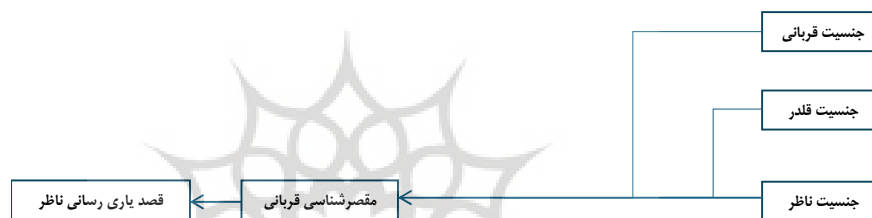
9. Pinciotti & Orcutt

مداخله‌ای موثر نیز هست. هدف این پژوهش این بود که در یک موقعیت قلدری سایبری با زمینه روابط رمانتیک که جنسیت در آن بروز برجسته‌تری از موقعیت‌های دیگر دارد و از انواع قلدری سایبری ترکیبی از جعل هویت و فریبکاری است فرض اثر تعاملی جنسیت ناظر، جنسیت قلدر و جنسیت قربانی قلدری سایبری بر مقصرشناسی قربانی و قصد یاری‌رسانی ناظر را آزمون کند. بر این اساس فرضیه‌های زیر تدوین شد:

فرضیه 1: در یک موقعیت قلدری سایبری قصد ناظران مونث و مذکر برای یاری‌رسانی به قربانی بسته به جنسیت قربانی و قلدر متفاوت است.

فرضیه 2: در یک موقعیت قلدری سایبری تقصیری که ناظران مونث و مذکر به قربانی نسبت می‌دهند بسته به جنسیت قربانی و قلدر متفاوت است.

فرضیه 3: در یک موقعیت قلدری سایبری قصد یاری‌رسانی ناظران مونث و مذکر به واسطه مقصرشناسی قربانی بسته به جنسیت قربانی و قلدر متفاوت است.



نمودار 1. مدل مفهومی

روش

فرضیه‌های این تحقیق با استفاده از یک سناریوی قلدری سایبری با لحاظ کردن سطوح جنسیت قربانی و جنسیت قلدر به عنوان متغیرهای مستقل دستکاری شده و جنسیت ناظر به عنوان متغیر مستقل دستکاری نشده در یک طرح بین‌گروهی عاملی مستقل $2 \times 2 \times 2$ و به صورت پس‌آزمون با گروه تجربی آزمون شد. برای آزمون فرض اول و دوم تحلیل واریانس سه طرفه اجرا شد. برای آزمون فرضیه سوم با توجه به اینکه به ترتیب مستلزم تحلیل اثر میانجی، تعدیل‌کننده و میانجی تعدیل شده است از یک مدل عمومی که توسط مولر، جاد و ایزربیت¹ (2005) پیشنهاد شده است استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS انجام شد. سطح معناداری در $p=0.05$ لحاظ شد.

جامعه آماری تحقیق دانشجویان دانشگاه‌های تهران و هرمزگان بود که در نیمسال تحصیلی دوم 1402-1403 مشغول به تحصیل بوده‌اند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. با توجه به بزرگ بودن جامعه برای تعیین حجم نمونه موردنیاز از حد بالای فرمول کوکران استفاده شد و هدف دستیابی به 400 مورد تعیین شد. برای برآورده کردن شرط قضیه حد مرکزی در خصوص نرمال بودن توزیع متغیر وابسته در هر زیرگروه هدف دستیابی به حداقل 30 مورد تعیین شد. ملاک‌های ورود شامل تمایل به مشارکت در پژوهش، حداقل سن 18 سال، ملیت ایرانی، داشتن دسترسی و مهارت استفاده از اینترنت و داشتن تجربه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های پیام‌رسان خارجی بود. عدم تمایل به مشارکت و عدم پاسخگویی کامل ملاک خروج بود.

1. Muller, Judd, Yzerbyt

روش اجرای پژوهش به این صورت بود که ابتدا چهار سناریو مشابه که یک رویداد قلدری سایبری در محیطی آموزشی را به تصویر می‌کشید با اختصاص تصادفی اسامی مختلف برای دستکاری جنسیت قربانی و جنسیت قلدر (متغیرهای مستقل) ساخته شد. متن سناریوی اول که در آن قلدر و قربانی هر دو بطور ضمنی مذکر معرفی شده‌اند به شرح زیر بود:

در یک دورهمی دوستانه بین دانشجویان هم رشته‌ای در یک دانشگاه پارسا داستانی از تلاش ناموفق خودش برای برقراری دوستی با یک نفر از جنس مخالف در یک برنامه پیام رسان تعریف می‌کند. دیگران با اظهارنظر درباره دلیل ناکامی پارسا یا شوخی درخصوص جسارت و ساده لوحی او به داستان واکنش نشان می‌دهند. یک هفته بعد دانشجویی به نام کیان که داستان پارسا را از بقیه شنیده است پروفایلی جعلی حاوی اطلاعات فردی خیالی به اسم آیدا در همان برنامه پیام رسان ایجاد می‌کند و پیام‌هایی مبنی بر تمایل به آشنایی و قرار ملاقات برای پارسا ارسال می‌کند. مدتی بعد کیان از پاسخ‌های پارسا و عکس او ویدئویی تهیه می‌کند و آن را بصورت ناشناس در برنامه پیام رسان برای دانشجویان دیگر به اشتراک می‌گذارد.

پس از آن یک دامنه (وب سایت) در یک درگاه اینترنتی¹ که خدمات اجرای پژوهش آنلاین ارائه می‌کند ساخته شد و کلیه فرم‌های معرفی پژوهش، رضایت نامه شرکت در پژوهش، فرم اطلاعات جمعیت شناختی، سناریوها و مقیاس‌های اندازه‌گیری در آن وارد شد. برای جلب همکاری شرکت‌کنندگان به شرکت در تحقیق با پرداخت حق الزحمه به دو پژوهشگر دانشگاهی که خدمات انتشارات علمی به دانشجویان دانشگاه‌های تهران و هرمزگان ارائه می‌کنند و همچنین صاحب حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی هستند که دنبال کننده‌های زیادی عمدتاً از بین دانشجویان دانشگاه‌های مزبور دارند آگهی تبلیغی برای جلب مشارکت در پژوهش سفارش داده شد. لینک وب سایت پژوهش در این آگهی قرار داده شد. برای ترغیب به شرکت در پژوهش یک قرعه‌کشی با مبلغ 2 میلیون تومان بین شرکت‌کنندگان اعلام شد.

شرکت‌کنندگانی که روی لینک درج شده در آگهی کلیک کردند وارد وب سایت اختصاصی پژوهش شدند. در ابتدا فرم معرفی پژوهش به آنان ارائه شد و سپس فرم رضایت نامه برای تأیید ارائه شد. در چند فرم متوالی اطلاعات جمعیت شناختی از شرکت‌کنندگان خواسته شد. تنظیمات سایت به صورتی طراحی شد که در این مرحله به هر شرکت‌کننده بصورت تصادفی یکی از چهار سناریوی پژوهش ارائه شد. پس از مطالعه سناریو از شرکت‌کنندگان خواسته شد خودشان را در جایگاه یکی از ناظران موقعیت قلدری سایبری توصیف شده قرار دهند و سپس مقیاس‌های پس‌آزمون شامل مقیاس مقصّرشناسی قربانی و مقیاس قصد یاری‌رسانی ناظر برای پاسخگویی به آنها ارائه شد.

ابزارهای پژوهش

الف) قصد یاری‌رسانی ناظر (BHI²): از مقیاسی که توسط لوین و کراوسر³ (2008) تدوین و هنجاریابی شد استفاده شد. این آزمون شامل 3 ماده است که از شرکت‌کننده می‌خواهد بر روی یک مقیاس لیکرت 9 گویه‌ای از 1 (بسیار محتمل) تا 9 (بسیار نامحتمل) یکی از گویه‌ها را در خصوص قصد خود برای مداخله در سناریوی قلدری سایبری انتخاب کند. از شرکت‌کننده پرسیده می‌شود «اگر در زندگی واقعی با موقعیت مشابهی روبه‌رو شوید، به احتمال زیاد کدام یک از اقدامات زیر را انجام خواهید داد؟» گویه‌ها شامل این موارد است: (الف) به هیچ وجه کمک نمی‌کنم، سعی می‌کنم درگیر موقعیت نشوم؛ (ب) سعی می‌کنم به یک مقام مسئول اطلاع دهم؛ (ج) با قلدر رودر رو می‌شوم. نمرات آزمودنی‌ها در مقیاس قصد یاری‌رسانی ناظر می‌تواند بین 3 تا 27 متغیر باشد که نمرات پایین به معنای قصد کمتر برای یاری‌رسانی به قربانی قلدری سایبری و نمرات بالاتر به معنای قصد بیشتر

1. www.limesurvey.com

2. Bystander Helping Intention

3. Levine, Crowther

است. در پژوهش لوین و کراوسر (2008) مقیاس آلفای کرونباخ برای این ابزار 0/76 گزارش شد ولی روایی گزارش نشده است. در پژوهش حاضر اعتبار آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ 0/61 محاسبه شد. از آنجایی که آلفای کرونباخ به تعداد آیتم‌ها حساس است مقدار آلفای حداقل 0/60 برای کمتر از چهار عبارت قابل قبول در نظر گرفته می‌شود (پترسون¹، 1994). کمترین ضریب همبستگی بین گویه‌های پرسش‌نامه از بین ضرایب 0/33 بود که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی پیرسون برای نمونه‌های بزرگتر از 300 یعنی 0/09 بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای روایی سازه نیز نشان داد معیارهای برازش گویه‌ها در مقیاس در محدوده قابل قبول قرار داشتند ($NFI = 1$ ، $IFI = 1$ ، $GFI = 1$ ، $RMSEA = 0.1$).

ب) مقصرشناسی قربانی (VB²): از مقیاسی که توسط وبر، زیگل و اشناوبر³ (2013) تدوین و هنجاریابی شد و شامل دو خرده مقیاس جهت‌گیری اسناد دفاعی (DAO⁴) و جهت‌گیری دنیای عادلانه (JWO⁵) است استفاده شد. در خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه از چهار گویه برای سنجش تمایل پاسخ دهندگان به مقصر دانستن مستقیم قربانی برای این حادثه استفاده شد: «[نام قربانی در سناریو] باید می‌دانست اینطور می‌شود»، «[نام قربانی در سناریو] این اتفاق را شروع کرد»، «[نام قربانی در سناریو] خودش مقصر بود» یا «[نام قربانی در سناریو] می‌توانست جلوی این اتفاق را بگیرد». این گویه‌ها عامل «سرزنش مستقیم قربانی» را تشکیل می‌دهند و بر اساس نظریه جهت‌گیری دنیای عادلانه هستند. به همین ترتیب، در خرده مقیاس جهت‌گیری اسناد دفاعی از دو گویه برای اندازه‌گیری مقصر دانستن غیرمستقیم قربانی استفاده شد. ابتدا در مورد وخامت موقعیت سوال شد (مقیاس پنج گویه‌ای: 1 «اصلاً وخیم نبود» تا 5 «بسیار وخیم بود»). گویه دوم در مورد شدت مجازات عادلانه برای قلدر سوال می‌کرد (مقیاس پنج گویه‌ای: 1 «به هیچ وجه مجازات لازم نیست» تا 5 «مجازات بسیار سخت لازم است»). این دو گویه در نظر گرفته شده عامل «سرزنش غیرمستقیم قربانی» را تشکیل می‌دادند. نمرات آزمودنی‌ها در مقیاس مقصرشناسی قربانی می‌تواند بین 6 تا 30 متغیر باشد که نمرات پایین به معنای اسناد تقصیر کمتر به قربانی قلدری سایبری و نمرات بالاتر به معنای اسناد تقصیر بیشتر است. در پژوهش وبر و همکاران (2013) ضریب اعتبار آلفا گزارش نشده بود اما برای روایی ضریب تعیین (R^2) 0/29 و برای خرده مقیاس دنیای عادلانه ضریب بتا 0/44 در سطح معناداری 0/001 و برای خرده مقیاس اسناد دفاعی ضریب بتا 0/20 در سطح معناداری 0/001 گزارش شد. در پژوهش حاضر اعتبار کل آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ 0/63 محاسبه شد. ضریب مزبور برای خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه 0/76 و برای خرده مقیاس جهت‌گیری اسناد دفاعی 0/50 محاسبه شد. کمترین ضریب همبستگی بین گویه‌های پرسش‌نامه از بین ضرایب 0/54 بود که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی پیرسون برای نمونه‌های بزرگتر از 300 یعنی 0/09 بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش روایی سازه نیز نشان داد معیارهای برازش گویه‌ها در مقیاس در محدوده قابل قبول قرار داشتند ($NFI = 0.88$ ، $IFI = 0.89$ ، $GFI = 0.95$ ، $RMSEA = 0.09$).

یافته‌ها

پس از انتشار آگهی تحقیق در مدتی یک ماهه مجموعاً 805 نفر بر روی لینک وبسایت پژوهش کلیک کرده و وارد سایت شدند که از این تعداد 601 نفر مواد تحقیق را کامل کردند. تعداد شرکت‌کنندگان زن 452 نفر (75%) و شرکت‌کنندگان مرد 149 نفر (25%) بود. 78 درصد شرکت‌کنندگان تحصیلات کارشناسی و بالاتر داشتند و میانگین سنی شرکت‌کنندگان 23 سال بود. در

1. Peterson
2. Victim Blaming
3. Weber, Ziegele, Schnauber
4. Defensive Attribution Orientation
5. Just World Orientation

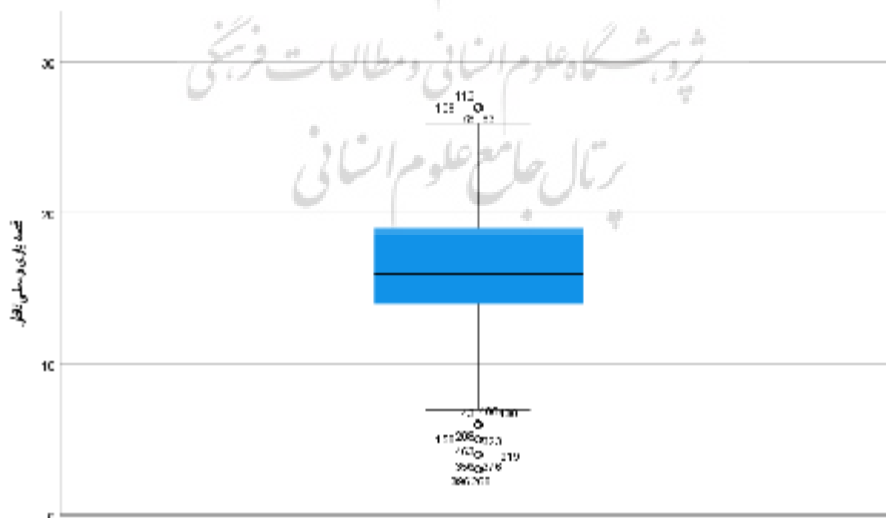
آزمون آماری مشخص شد گروه‌های آزمایشی از نظر متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند (جنسیت $\chi^2=1/18$ $p=0/75$ ، سن $F(5, 593)=0/71$ ، $p=0/61$ ، آشنایی با شبکه‌های اجتماعی $\chi^2=0/27$ $p=0/96$ ، باورهای مذهبی $F(4, 593)=2/12$ ، $p=0/76$).

شاخص‌های توصیفی برای گروه‌های آزمایشی در جدول 1 آمده است. میانگین کلی نمرات شرکت‌کنندگان در مقیاس قصد یاری‌رسانی ناظر 16/61 است که بالاتر از میانه نمره آزمون (15) در حالت فرض نرمال بودن توزیع نمرات بود. میانگین نمره قصد ناظران برای کمک به قربانی مونث 17/25 و میانگین نمره قصد ناظران برای کمک به قربانی مذکر 16/06 است. میانگین کلی نمرات شرکت‌کنندگان در مقیاس مقصّرشناسی قربانی 17 بود که پایین‌تر از میانه نمره آزمون (18) بود.

جدول 1. شاخص‌های توصیفی برای گروه‌های آزمایشی

گروه آزمایشی	جنسیت شرکت‌کننده	جنسیت قلدر	جنسیت قربانی	تعداد نمونه	قصد یاری‌رسانی ناظر میانگین	مقصّرشناسی قربانی میانگین	انحراف معیار
1			مرد	33	15/67	4/43	4/94
2		مرد	زن	40	17/25	4/41	4/06
3	مرد		مرد	41	16/29	4/40	4/68
4		زن	زن	35	18/09	4/38	3/96
5			مرد	99	16/82	4/59	3/97
6		مرد	زن	120	16/95	4/91	4/39
7	زن		مرد	109	15/48	4/32	4/34
8		زن	زن	124	16/73	5/30	4/11

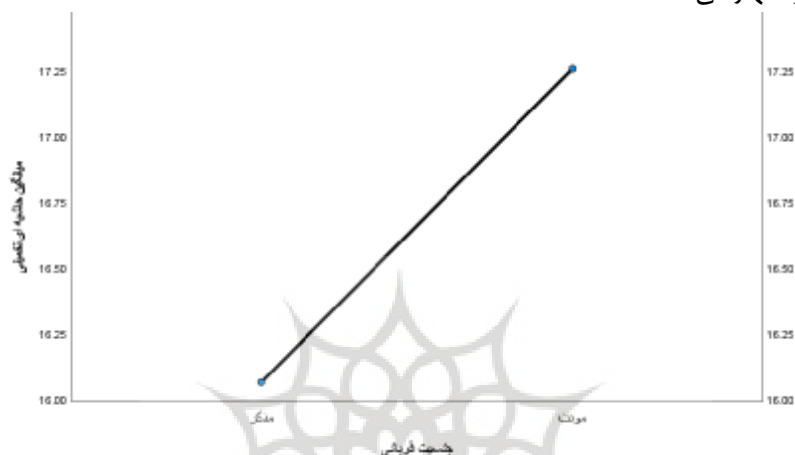
آزمون فرضیه اول: ابتدا شروط آزمون پارامتری بررسی شد. برای آزمون وجود داده‌های پرت غیرعادی نمودار جعبه‌ای ترسیم شد. با توجه به تعداد کم داده‌های پرت در تحلیل حفظ شدند. برای آزمون فرض نرمال بودن تقریبی مقادیر متغیر وابسته مقدار چولگی 0/1 و کشیدگی 0/09 محاسبه شد که با توجه به قرار داشتن در بازه نرمال (2،2-) برای چولگی و بازه نرمال (7،7-) برای کشیدگی حاکی از توزیع تقریبی نرمال مقادیر متغیر وابسته بود.



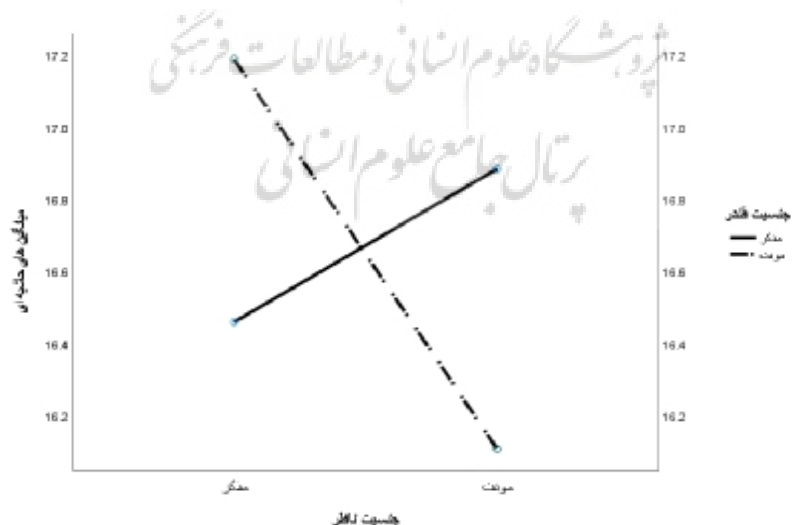
نمودار 2. نمودار جعبه‌ای توزیع داده‌های متغیر وابسته

برای آزمون همسانی واریانس از تست لوین استفاده شد. نتایج نشان داد فرض تفاوت واریانس مقادیر متغیر وابسته بین گروه‌ها معنادار نبود ($F(7, 593) = 1/09, p = 0/36$).

نتایج تحلیل واریانس سه طرفه بین عاملی نشان داد اثر تعاملی بین جنسیت ناظر، قلدر و قربانی با قصد یاری‌رسانی ناظر به قربانی رویداد قلدر مجازی معنادار نبود. تنها اثر معنادار مشاهده شده مربوط به اثر جنسیت قربانی بر متغیر وابسته بود ($F(7, 593) = 2/12, p = 0/01$). برای بررسی اثر یافت شده در خصوص معنادار بودن اثر سطوح جنسیت قربانی بر متغیر وابسته نمودار میانگین حاشیه‌ای ترسیم شد. از نمودار 3 این گونه استنباط می‌شود که ناظران قصد بیشتری برای یاری‌رسانی به قربانی مونث در مقایسه با قربانی مذکر اظهار می‌کنند.



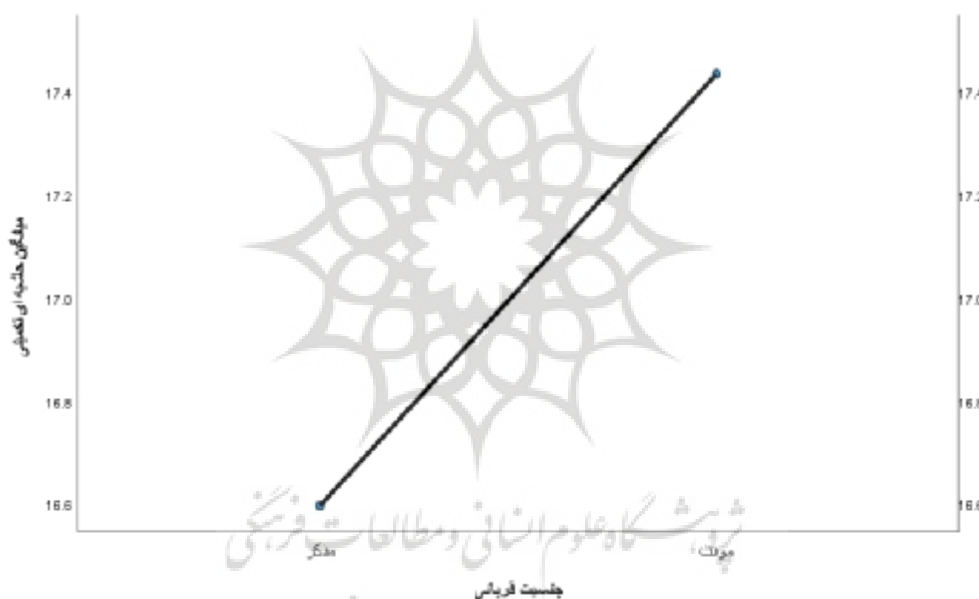
نمودار 3. میانگین حاشیه‌ای برای قصد یاری‌رسانی ناظر به قربانی بر حسب جنسیت قربانی
در خصوص اثر تعاملی بین جنسیت شرکت‌کننده و جنسیت قربانی نیز اثر نزدیک به معنادار مشاهده شد ($F(7, 593) = 2/73, p = 0/09$). برای بررسی اثر یافت شده در خصوص معنادار بودن اثر تعاملی بین جنسیت شرکت‌کننده و جنسیت قربانی بر متغیر وابسته نمودار میانگین حاشیه‌ای ترسیم شد. از نمودار 4 این گونه استنباط می‌شود که ناظران وقتی قلدر از جنس مخالف خودشان است قصد یاری‌رسانی بیشتری به قربانی اظهار می‌کنند.



نمودار 4. میانگین حاشیه‌ای برای قصد یاری‌رسانی ناظر به قربانی بر حسب جنسیت ناظر و قلدر

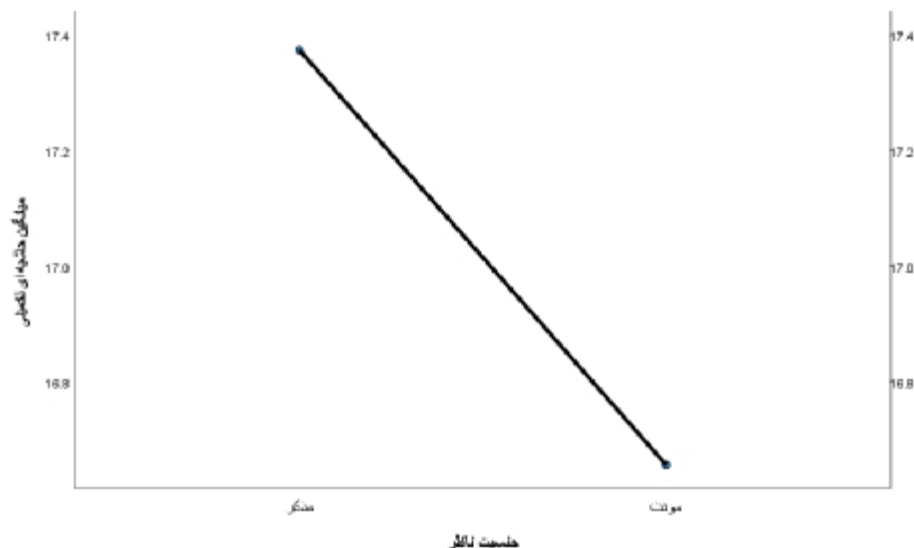
آزمون فرض دوم: برای آزمون فرض نرمال بودن مقادیر متغیر وابسته هم مقدار چولگی 0/39 و مقدار کشیدگی 0/08 - محاسبه شد که با توجه به قرار داشتن در بازه استاندارد (2,2-) برای چولگی و بازه نرمال (7,7-) برای کشیدگی حاکی از توزیع تقریبی نرمال مقادیر متغیر وابسته بود. برای آزمون همسانی واریانس از تست لوین استفاده شد. نتایج نشان داد فرض تفاوت واریانس مقادیر متغیر وابسته بین گروه‌ها معنادار نبود.

از آنجا که خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه از ضریب پایایی بالاتری برخوردار بود آزمون فرضیه دوم هم بر اساس نتایج مقیاس کامل مقصرشناسی قربانی و هم تنها بر اساس نتایج خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه انجام شد. نتایج تحلیل واریانس سه طرفه بین عاملی بر اساس نتایج مقیاس کامل مقصرشناسی قربانی نشان داد اثر تعاملی بین جنسیت ناظر، قلدر و قربانی با مقصرشناسی قربانی رویداد قلدری مجازی معنادار نبود. تنها اثر معنادار مشاهده شده مربوط به اثر جنسیت قربانی بر متغیر وابسته بود ($F(7, 593) = 4/45, p = 0/03$). برای بررسی اثر یافت شده در خصوص معنادار بودن اثر سطوح جنسیت قربانی بر متغیر وابسته نمودار میانگین حاشیه‌ای ترسیم شد. از نمودار 4 این گونه استنباط می‌شود که ناظران تقصیر بیشتری به قربانی مونث در مقایسه با قربانی مذکر نسبت می‌دهند.



نمودار 5. میانگین حاشیه‌ای مقصرشناسی قربانی بر حسب جنسیت قربانی

گرچه نتایج تحلیل واریانس سه طرفه بین عاملی بر اساس نتایج خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه نیز حاکی از فقدان اثر تعاملی معنادار بین جنسیت ناظر، قلدر و قربانی با مقصرشناسی قربانی بود با این حال در خصوص جنسیت شرکت‌کننده نیز اثر معنادار مشاهده شد ($F(7, 593) = 4/49, p = 0/04$). برای بررسی اثر یافت شده در خصوص معنادار بودن اثر سطوح جنسیت ناظر بر متغیر وابسته نمودار میانگین حاشیه‌ای ترسیم شد. از نمودار 5 این گونه استنباط می‌شود که ناظران مذکر در مقایسه با ناظران مونث تقصیر بیشتری به قربانی نسبت می‌دهند.



نمودار 5. میانگین حاشیه‌ای مقصرشناسی قربانی بر حسب جنسیت ناظر

آزمون فرضیه سوم: نتایج مدل سازی رابطه میانجی با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه نشان داد ضرایب مدل رگرسیون برای اثر کل، اثر مستقیم متغیر مستقل بر متغیر میانجی و اثر مستقیم متغیرهای مستقل و میانجی بر متغیر وابسته معنادار نبود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی اثر تعاملی بین جنسیت قلدر، قربانی و ناظر قلدری سایبری بر قصد یاری‌رسانی ناظر و مقصرشناسی قربانی بود. یافته‌های این پژوهش در خصوص فقدان اثر تعاملی جنسیت نقش‌های درگیر بر قصد یاری‌رسانی ناظر با نتایج تنها تحقیق نسبتاً مشابه پیشین یعنی پژوهش وبر، کوهرلر و اشناوبر (2019) همخوانی داشت. درعین حال نتیجه این پژوهش مبنی بر فقدان اثر یک سویه جنسیت ناظر بر قصد یاری‌رسانی او به قربانی با نتایج برخی پژوهش‌های پیشین همخوانی داشت. برای مثال نتایج این پژوهش با پژوهش بارلینسکا، شوستر و وینیوسکی (2013) و پژوهش چان، چونگ، بنباست، ژیانو و لی¹ (2022) همخوانی داشت. همزمان فقدان اثر یک سویه جنسیت ناظران بر قصد یاری‌رسانی ناظر با نتایج برخی از تحقیقات دیگر ناهمخوانی داشت. برای مثال نتایج این پژوهش با پژوهش دزمت و همکاران (2016) و لامب، هادسون، کریگ و پپلر² (2017) همخوانی نداشت.

ناتوانی در یافتن تفاوت معنادار در قصد یاری‌رسانی ناظر به قربانی قلدری مجازی که وابسته به تعامل جنسیت ناظر، قربانی و قلدر باشد ممکن است به دلیل متغیرهای کنترل متفاوتی باشد که تحقیقات متفاوت استفاده کرده‌اند. برای مثال سن ناظران به عنوان متغیر کنترل در بسیاری تحقیقات استفاده شده است ولی تحقیقات مختلف از گروه‌های سنی متفاوتی استفاده کرده‌اند که مقایسه نتایج را دشوار می‌کند. این موضوع در خصوص سطح تحصیلات، خاستگاه اقتصادی و اجتماعی، جایگاه شغلی و هویت گروهی نیز صدق می‌کند. با لحاظ کردن تفاوت ناظر با قلدر و ناظر با قربانی در این ابعاد پیچیدگی موضوع ممکن است بیشتر هم باشد.

1. Chan, Cheung, Benbasat, Xiao, Lee

2. Lambe, Hudson, Craig, Pepler

از سوی دیگر موقعیت‌های نمونه‌ای که در کاربردی‌های آزمایشی برای سنجش رفتار ناظران بالقوه استفاده شده‌اند یکسان نبوده‌اند. موقعیت‌های قلدری سایبری انواع متفاوتی دارند و طبقه بندی‌های موجود فقط زمینه‌های مشترک را، هر چند نه بطور کامل، پوشش می‌دهند و اکثر اوقات واقعیت یک موقعیت نمونه قلدری سایبری ترکیبی از این انواع را شامل می‌شود. از آنجا که قضاوت‌های مربوط به جنسیت وابسته به موقعیت هستند (وو، پارک و داسگوپتا¹، 2020) ممکن است تفاوت نتایج مربوط به این مسئله باشد.

در خصوص آمادگی بیشتر ناظران برای یاری‌رسانی به قربانی مونث نسبت به قربانی مذکر، یافته‌های این پژوهش با نتایج تنها تحقیق قابل مقایسه پیشین که به بررسی تأثیر جنسیت قربانی بر قصد یاری‌رسانی ناظر قلدری سایبری پرداخته بود - پژوهش وبر، کوهلر و اشناوبر (2019) - همخوانی داشت. تفاوت معنادار در آمادگی ناظران قلدری سایبری برای یاری‌رسانی به قربانی مونث نسبت به قربانی مذکر را شاید بهتر از هر چیز وجود تصورات قالبی جنسیتی توضیح دهد. احتمالاً یک حادثه قلدری که متوجه یک قربانی زن می‌شود، به عنوان موقعیتی تفسیر می‌شود که در آن قربانی به یاری‌رسانی دیگران نیاز دارد.

تفاوت مشاهده شده در تمایل ناظران به یاری‌رسانی بیشتر به قربانی قلدری از جنس مخالف می‌تواند بدلیل شکسته شدن معیارهای کلیشه‌ای جنسیتی در موقعیت‌های قلدری سایبری باشد. بر اساس کلیشه‌های جنسیتی از زنان انتظار نمی‌رود که در نقش‌های پرخاشگرانه ظاهر شوند و متقابلاً از مردان انتظار نمی‌رود زنان را که ضعیف تلقی می‌شوند مورد قلدری قرار دهند. تخلف از کلیشه‌های جنسیتی با طرد و تنبیه مواجه می‌شود (کندی، مک دانل و استفنس²، 2016).

یافته‌های این پژوهش در خصوص فقدان اثر تعاملی جنسیت نقش‌های درگیر در قلدری سایبری بر مقصرشناسی قربانی با نتایج دو تحقیق متناظر پیشین - مائر و دوئل (2020) و وبر، کوهلر و اشناوبر (2019) - همخوانی داشت. همزمان نتیجه این پژوهش مبنی بر اینکه ناظران قربانی مونث را در مقایسه با قربانی مذکر بیشتر مقصر می‌دانند برخلاف نتایج هر دو پژوهش وبر، کوهلر و اشناوبر (2019) و مائر و دوئل (2020) بود که چنین رابطه‌ای را معنادار نیافتند.

تفاوت معنادار بین مقصرشناسی قربانیان مونث در مقایسه با قربانیان مذکر نزد ناظران قلدری سایبری ممکن است در ابتدا خلاف شهود بنظر برسد چون مردان بیشتر مشکوک به رفتار رقابتی یا پرخاشگرانه و در نتیجه مقصر وقوع قلدری تلقی می‌شوند اما تحقیقاتی که درباره نسبت دادن تقصیر به قربانیان خشونت انجام شده است نتایج مشابهی گزارش کرده‌اند (برای مثال: کلارک³، 2021). توضیح این پدیده ممکن است این باشد که در تصورات قالبی جنسیتی که بین هر دو جنسیت مشترک است زنان ضعیف، آسیب پذیر، سلطه پذیر، غیرمنطقی، و احساساتی و مردان پرخاشگر، ریسک‌پذیر، سلطه گر و رقابت‌جو دیده می‌شوند (سولیوان، سیوسیولو، موس راسوسین⁴، 2022). طبق این تصورات قالبی زنان بیش از مردان در خطر قربانی شدن دیده می‌شوند. به همین دلیل ظاهراً منطق حکم می‌کند کسانی که احتمال قربانی شدن آنان بیشتر است محتاط تر باشند تا از چنین اتفاقاتی جلوگیری کنند.

توضیح دیگری که می‌توان لحاظ کرد توجه به این نکته است که وقتی قربانی زن سوژه اغواگری می‌شود و نشانه‌ای از پذیرش اغواگری نشان می‌دهد و تا حدی با قلدر همراه می‌شود بیشتر مقصر دانسته می‌شود (روزالین و ادیسون⁵، 2023). می‌توان گفت گرچه کلیشه‌های جنسیتی ممکن است ریشه تمایل بیشتر ناظران برای یاری‌رسانی به قربانی مونث باشد وقتی رویداد قلدری سایبری زمینه‌ای رمانتیک یا جنسی دارد و قربانی مونث به اغواگری اولیه پاسخ مثبت می‌دهد همزمان بیشتر مقصر دانسته می‌شود.

1. Wu, Park, Dasgupta

2. Kennedy, McDonnell, Stephens

3. Clark

4. Sullivan, Ciociolo, & Moss-Racusin

5. Rogalin & Addison

اثر مشاهده شده در خصوص گرایش ناظران مذکر به مقصرشناسی بیشتر قربانی نسبت به ناظران مونث با نتایج پژوهش مائر و دوئل (2020) همخوان بود. در عین حال یافته‌های این پژوهش برخلاف نتایج پژوهش وبر، کوهر و اشناوبر (2019) بود که چنین رابطه‌ای را معنادار نیافتند. با توجه به اینکه ناظران قلدری سایبری فارغ از جنسیت خود قربانیان زن را بیشتر مقصر دانستند در اینجا ممکن است سطح پایین‌تر مهارت‌های شناخت اجتماعی و همدلی یا سطح بالاتر جنسیت گرایی ناظران مذکر که در تحقیقات مستند شده است (برای مثال روشات¹، 2023 و لافلر و گریتمیر²، 2023) باعث چنین تفاوتی شود. می‌توان مشارکت اصلی این پژوهش را این گونه بیان کرد که بر اساس یافته‌های این پژوهش علیرغم اینکه ناظران قلدری سایبری قربانی مونث را بیشتر مقصر می‌شناسند با این حال قصد بیشتری برای یاری‌رسانی به او نیز ابراز می‌کنند. این موضوع را شاید بتوان اینگونه توضیح داد که طبق باورهای قالبی جنسیتی که در هر دو جنس وجود دارد زنان احساساتی و در نتیجه ساده لوح ولی در عین حال ضعیف و نیازمند کمک هستند.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

تجربیات متفاوت شرکت‌کنندگان در خصوص قلدری سایبری می‌تواند بر پاسخ آنها تأثیر بگذارد. در تحقیقات آتی تجربیات گذشته شرکت‌کنندگان می‌تواند در تعریف گروه‌های آزمایشی لحاظ شود. با توجه به فرضی بودن موقعیت قلدری سایبری عمق رابطه ناظر با قلدر و قربانی نامعلوم است و این موضوع می‌تواند بر پاسخ‌ها موثر بوده باشد. در پژوهش‌های آتی سطح آشنایی ناظر با قربانی و قلدر می‌تواند در سناریوها متفاوت تعریف شود و اثرات آن سنجیده شود. برای بررسی علت ناسازگاری نتایج پژوهش‌ها درباره نقش جنسیت در قلدری سایبری متغیرهای کنترلی نظیر خاستگاه اقتصادی اجتماعی و انواع هویت گروهی می‌تواند در بررسی‌های آتی لحاظ شود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد مردانی که قربانی قلدری سایبری می‌شوند کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرند و ممکن است از مزیت‌های حمایت اجتماعی که می‌تواند اثرات مخرب قلدری سایبری را مهار کند محروم شوند. آموزش تأثیرات بالقوه مخرب و وخیم قلدری سایبری بر مردان می‌تواند بر مقابله با کلیشه‌های جنسیتی موجود در این زمینه و در نتیجه کاهش اثرات مزبور موثر باشد. با توجه به نادیده گرفته شدن قربانیان مذکر از سوی همسالان این موضوع می‌تواند در رسیدگی‌هایی که به قربانیان انجام می‌شود برای جبران فقدان حمایت اجتماعی لحاظ شود.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

کد اخلاقی پژوهش

طرح‌نامه این تحقیق به کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علامه طباطبائی ارائه و با دریافت کد 1402.127IR.ATU.REC. برای اجرا تصویب شد.

1. Rochat

2. Löffler & Greitemeyer

منابع

- اخوان منیژه، قاسمی نژاد عبدالرحیم، فروزانفر محمد مهدی. (1403). پویایی شناسی مسائل و نابسامانی‌های فضای مجازی در ایران، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، (گزارش شماره 19885).
- انواری، سیده ملیحه، منصوری، احمد. (1402). رابطه بین قربانی شدن قلدری سایبری با خودزنی غیرخودکشی و رفتارهای خودکشی نوجوانان: نقش میانجی تنظیم هیجان. روان‌شناسی بالینی و شخصیت، 21(2)، 129-138.
- سرآبادانی، الهه، مروتی، ذکراالله. (1401) مقایسه مشکلات روان‌شناختی و کیفیت خواب در نوجوانان قربانیان سایبربولینگ و عادی، مجله ایرانی روان‌شناسی تکاملی و تربیتی، سال چهارم شماره 1 (پیاپی 13)
- ورعی، پیام، ممدوحی، زهرا، محصب، نیلوفر، تقی‌پور، رقیه. (1401). پیش‌بینی خودجرعی بر اساس بزه دیدگی ناشی از قلدری سایبری: نقش میانجی ناامیدی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان وابسته به مواد. اعتیاد پژوهی، 65(16)، 255-286.
- Allison, K. R., & Bussey, K. (2016). Cyber-bystanding in context: A review of the literature on witnesses' responses to cyberbullying. *Children and Youth Services Review*, 65, 183-194. DOI:10.1016/j.chidyouth.2016.03.026.
- Allison, K. R., Luo, A., & Bussey, K. (2020). Cyberbullying in adolescence. In S. Hupp, & J. D. Jewell (Eds.), *The encyclopedia of child and adolescent development* (Vol. 7, pp. 1-9). (Peer Relationships). John Wiley & Sons. DOI: 10.1002/9781119171492.
- Barlińska, J., Szuster, A., & Winiewski, M. (2013). Cyberbullying among adolescent bystanders: Role of the communication medium, form of violence, and empathy. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 23(1), 37-51.
- Barlińska, J., Szuster, A., & Winiewski, M. (2015). The role of short-and long-term cognitive empathy activation in preventing cyberbystander reinforcing cyberbullying behavior. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 18(4), 241-244. DOI: 10.1089/cyber.2014.0412.
- Bastiaensens, S., Vandeboosch, H., Poels, K., Van Cleemput, K., DeSmet, A., & De Bourdeaudhuij, I. (2014). Cyberbullying on social network sites: an experimental study into bystanders' behavioural intentions to help the victim or reinforce the bully. *COMPUTERS IN HUMAN BEHAVIOR*, 31, 259-271. DOI: 10.1016/j.chb.2013.10.036.
- Bastiaensens, S., Vandeboosch, H., Poels, K., Van Cleemput, K., DeSmet, A., & De Bourdeaudhuij, I. (2015). 'Can I afford to help?' How affordances of communication modalities guide bystanders' helping intentions towards harassment on social network sites. *Behaviour & Information Technology*, 34(4), 425-435. DOI: 10.1080/0144929X.2014.983979.
- Broverman, I. K., Vogel, S. R., Broverman, D. M., Clarkson, F. E., & Rosenkrantz, P. S. (1972). Sex-role stereotypes: A current appraisal. *Journal of Social issues*, 28(2), 59-78. DOI: 10.1111/j.1540-4560.1972.tb00018.x
- Chan, T. K., Cheung, C. M., Benbasat, I., Xiao, B., & Lee, Z. W. (2023). Bystanders join in cyberbullying on social networking sites: the deindividuation and moral disengagement perspectives. *Information Systems Research*, 34(3), 828-846. DOI: 10.1287/isre.2022.1161
- Clark, V. E. (2021). Victim-blaming discourse underpinning police responses to domestic violence: A critical social work perspective. *Social Work & Policy Studies: Social Justice, Practice and Theory*, 4(1). ISSN: 2209-0878.
- Cramer, R. J., Nobles, M. R., Amacker, A. M., & Dovoedo, L. (2013). Defining and evaluating perceptions of victim blame in antigay hate crimes. *Journal of Interpersonal Violence*, 28(14), 2894-2914. DOI: 10.1177/0886260513488687.
- DeSmet, A., Van Cleemput, K., Bastiaensens, S., Poels, K., Vandeboosch, H., Malliet, S., ... & De Bourdeaudhuij, I. (2016). Bridging behavior science and gaming theory: Using the Intervention Mapping Protocol to design a serious game against cyberbullying. *Computers in Human behavior*, 56, 337-351. DOI: 10.1016/j.chb.2015.11.039.

- Domínguez-Hernández, F., Bonell, L., & Martínez-González, A. (2018). A systematic literature review of factors that moderate bystanders' actions in cyberbullying. *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*, 12(4). DOI: 10.5817/CP2018-4-1.
- Ejaz, N., Razi, F., & Choudhury, S. (2024). Towards comprehensive cyberbullying detection: A dataset incorporating aggressive texts, repetition, peerness, and intent to harm. *Computers in Human Behavior*, 153, 108123. DOI: 10.1016/j.chb.2023.108123
- Houdek, P., Bahník, Š., Vrbová, L., & Hájek, J. (2024). Perspective-Taking Does Not Reduce Victim Blaming in Work-Related Situations. *Deviant Behavior*, 1-13. DOI: 10.1080/01639625.2024.2354349
- Khalili, N., Nagar, P. M., Leduc, K., & Talwar, V. (2022). Cyber-bystander behavior among Canadian and Iranian youth: The influence of bystander type and relationship to the perpetrator on moral responsibility. *Frontiers in Communication*, 7, 796146. DOI: 10.3389/fcomm.2022.796146.
- Kennedy, J., McDonnell, M. H., & Stephens, N. (2016). Does gender raise the ethical bar? Exploring the punishment of ethical violations at work. Exploring the Punishment of Ethical Violations at Work (April 25, 2016). Vanderbilt Owen Graduate School of Management Research Paper, (2770012). DOI: 10.2139/ssrn.2770012.
- Jaghoory, H., Björkqvist, K., & Österman, K. (2015). Cyberbullying among adolescents: A comparison between Iran and Finland. *Journal of Child and Adolescent Behavior*, 3(6), 1-7. DOI: 10.4172/2375-4494.1000265.
- Lambe, L. J., Hudson, C. C., Craig, W. M., & Pepler, D. J. (2017). Does defending come with a cost? Examining the psychosocial correlates of defending behaviour among bystanders of bullying in a Canadian sample. *Child Abuse & Neglect*, 65, 112-123. DOI: 10.1016/j.chiabu.2017.01.012.
- Levine, M., & Crowther, S. (2008). The responsive bystander: How social group membership and group size can encourage as well as inhibit bystander intervention. *Journal of Personality and Social Psychology*, 95(6), 1429-1439. DOI: 10.1037/a0012634.
- Löffler, C. S., & Greitemeyer, T. (2023). Are women the more empathetic gender? The effects of gender role expectations. *Current Psychology*, 42(1), 220-231. DOI: 10.1007/s12144-020-01260-8.
- Marr, K. L., & Duell, M. N. (2021). Cyberbullying and cybervictimization: Does gender matter? *Psychological reports*, 124(2), 577-595. DOI: 10.1177/0033294120916868.
- Muller, D., Judd, C. M., & Yzerbyt, V. Y. (2005). When moderation is mediated and mediation is moderated. *Journal of personality and social psychology*, 89(6), 852. DOI: 10.1037/0022-3514.89.6.852.
- Nazir, T., & Thabassum, L. (2021). Cyberbullying: Definition, types, effects, related factors and precautions to be taken during COVID-19 pandemic. *The International Journal of Indian Psychology*. DOI: 10.25215/0904.047.
- Nudelman, G., & Otto, K. (2021). Personal Belief in a Just World and Conscientiousness: A meta-analysis, facet-level examination, and mediation model. *British Journal of Psychology*, 112(1), 92-119.
- Olenik-Shemesh, D., Heimán, T., & Eden, S. (2017). Bystanders' behavior in cyberbullying episodes: Active and passive patterns in the context of personal-socio-emotional factors. *Journal of interpersonal violence*, 32(1), 23-48. DOI: 10.1177/0886260515585531.
- Peterson, R. A. (1994). A meta-analysis of Cronbach's coefficient alpha. *Journal of consumer research*, 21(2), 381-391. DOI: 10.1086/209405.
- Pinciotti, C. M., & Orcutt, H. K. (2020). It won't happen to me: An examination of the effectiveness of defensive attribution in rape victim blaming. *Violence against women*, 26(10), 1059-1079. DOI: 10.1177/1077801219853367.
- Rochat, M. J. (2023). Sex and gender differences in the development of empathy. *Journal of neuroscience research*, 101(5), 718-729. DOI:10.1002/jnr.25009.
- Rogalin, C. L., & Addison, S. M. (2023). "He Is Not a Monster": Himpathy and Sexual Assault. *Midwest Social Sciences Journal*, 26(1), 7. DOI:10.22543/2766-0796.1115.
- Salmivalli, C. (2010). Bullying and the peer group: A review. *Aggression and violent behavior*, 15(2), 12-120. DOI: 10.1016/j.avb.2009.08.007.
- Sullivan, J., Ciociolo, A., & Moss-Racusin, C. A. (2022). Establishing the content of gender stereotypes across development. *Plos one*, 17(7), e0263217. DOI: 10.1371/journal.pone.0263217.

- Weber, M., Koehler, C., & Schnauber-Stockmann, A. (2019). Why should I help you? Man up! Bystanders' gender stereotypic perceptions of a cyberbullying incident. *Deviant Behavior*, 40(5), 585-601. DOI: 10.1080/01639625.2018.1431183
- Weber, M., Ziegele, M., & Schnauber, A. (2013). Blaming the victim: The effects of extraversion and information disclosure on guilt attributions in cyberbullying. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 16(4), 254-259. DOI: 10.1089/cyber.2012.0328.
- Wu, D. J., Park, J., & Dasgupta, N. (2020). The influence of male faces on stereotype activation among women in STEM: An ERP investigation. *Biological Psychology*, 156, 107948. DOI: 10.1016/j.biopsycho.2020.107948.
- Zhang, W., Huang, S., Lam, L., Evans, R., & Zhu, C. (2022). Cyberbullying definitions and measurements in children and adolescents: summarizing 20 years of global efforts. *Frontiers in public health*, 10, 1000504. DOI: 10.3389/fpubh.2022.1000504

